

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0536

<http://hdl.handle.net/2333.1/xksn047m>

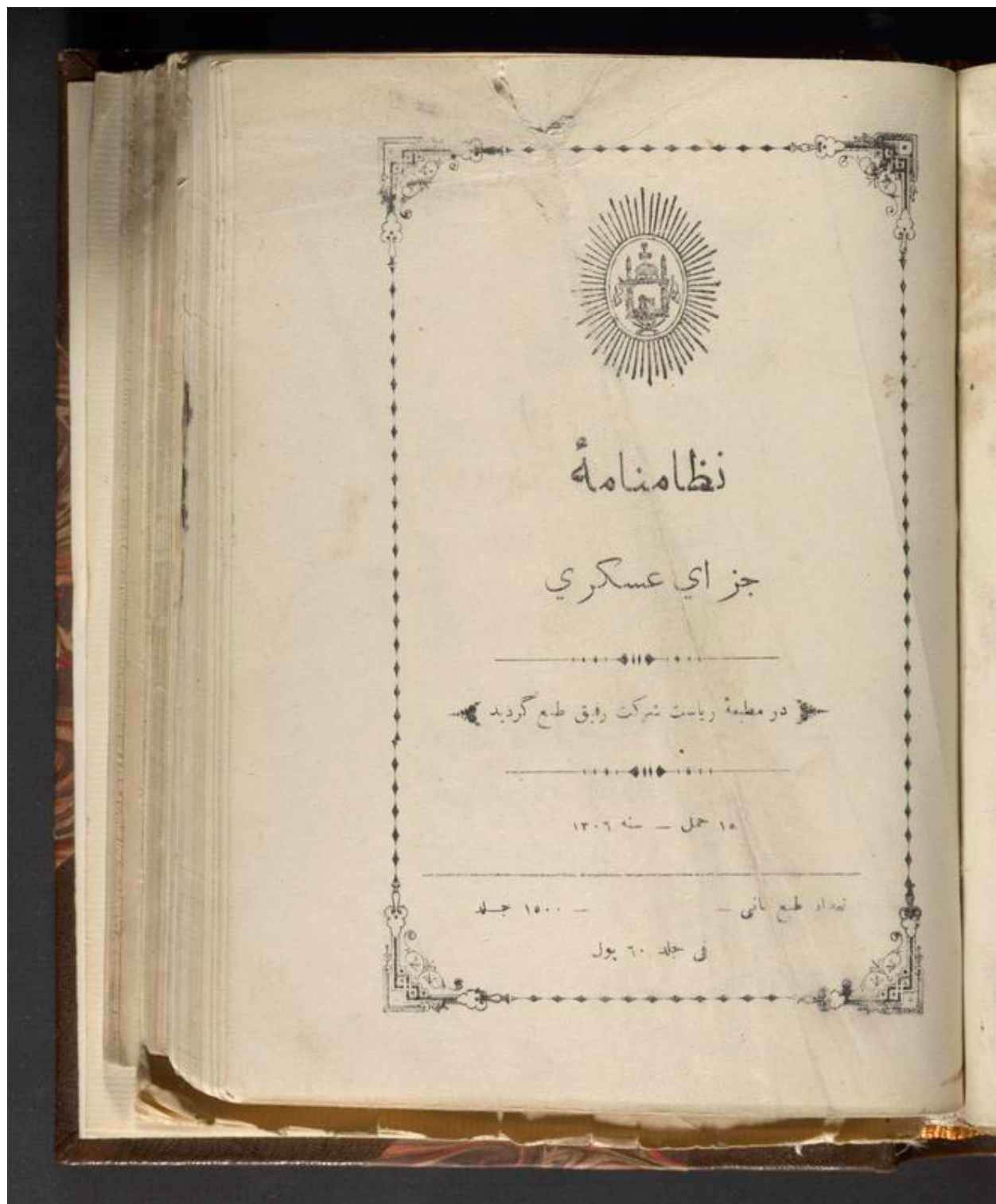


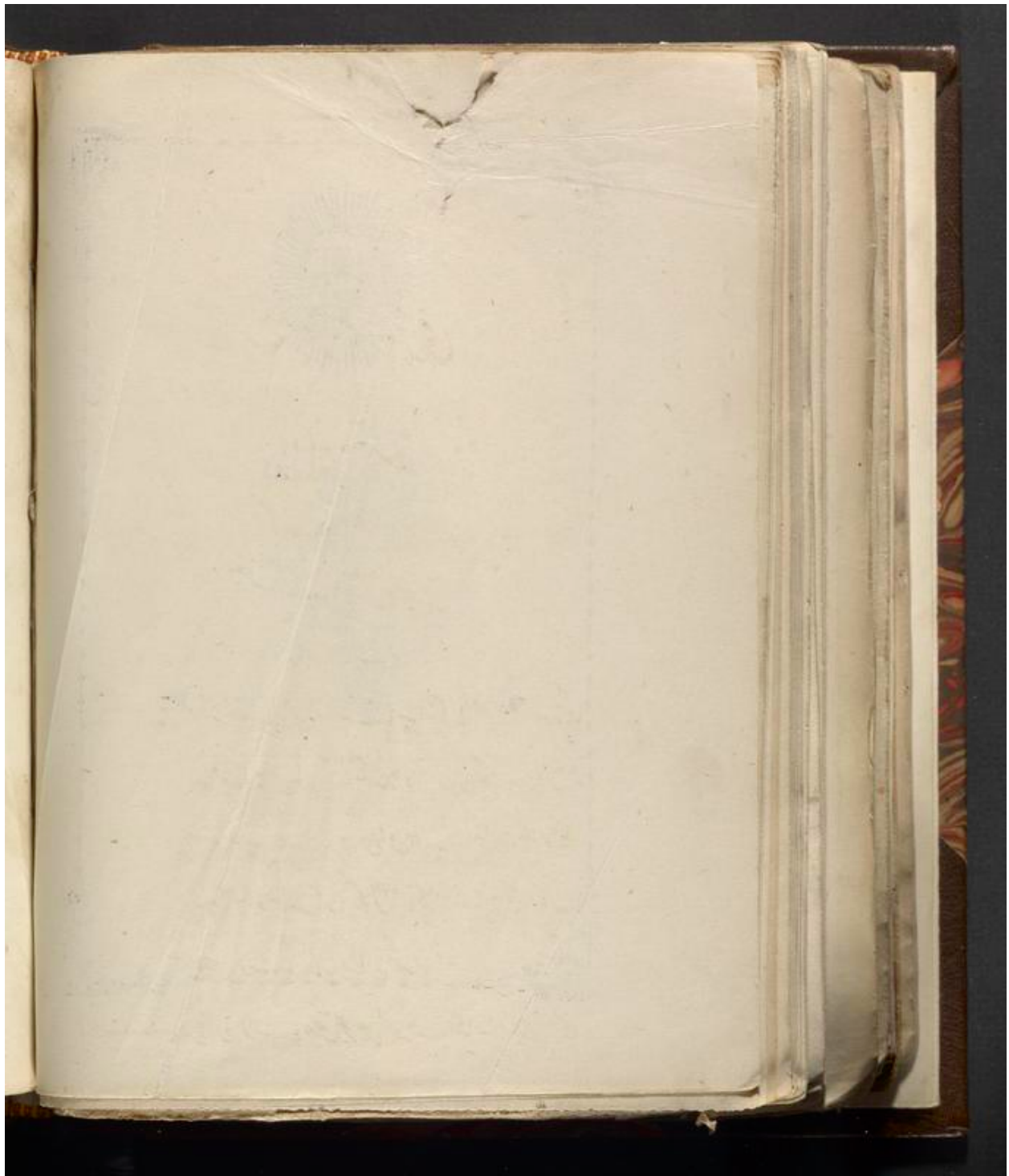
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu





بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه جزای عسکری

باب اول

مقدمه

فصل اول

(قواعد عمومی)

- قاعده ۱. — محاکمه منصبداران و سپاهیانیکه بالفعل هر اردوی
افغانستان خدمت میکنند و مأمورین ملکیت که در دوازه عسکری
مستقدم میباشند در دیوان حرب حاضر میشوند و محاکمه
سپاهیان و منصبداران کو توانی و پولیس نیز کذا لکند
دیوان حرب باینکه بایشان مخصوص است رویت میگردد
۲. — دیوان حرب با در حق بحرین بموجب نظامنامه جزای عسکری

تعیین جزاینمایند، و جزا بر جرایم که درین نظامنامه ذکر
نشده اند نظر بنظامنامه جزا بر علیه تحدید میشود.

۳. — جرایم که در مابین نظامیان و کسانی که نظامی نباشند ظهور کند
محاکمه آن در محکمه بر علیه عدلیه رؤیت میگردد، و اگر نظامیان
با چند نفر غیر نظامی در خارج خدمت عسکریه یک جرم را که
بنظام تعلق نداشته باشد مشترکاً ارتکاب نمایند، محاکمه ایشان
نیز در محاکم عدلیه اجراء یابد و فقط محل انفاذ جزائی که در حق
عسکر یا صادر گردد جهت عسکریه است، هرگاه جرمیکه ارتکاب
کرده اند از جمله جرمهایی باشد که در فصل (نهم) باب (دوم)
این نظامنامه تصریح و توضیح گردیده است، محاکمه کاذب آنها
در دیوان حرب رؤیت می یابد.

۴. — در دیوان حرب یا دعوایهای حقوق پذیرفته نمیشوند، علاوه
بر آن دیوان حرب یا در باره دعوای حقوق شخصیه عطا
حکم نمی نمایند، و در صورتیکه اینچنین یک معامله در پیش افتد،
برای حکم تعیین حقوق شخصیه و اراق دعوای بحاکم عدلیه میسازند.

۵. — مجازات عسکر یا نیک نظام است مالی و ملکیت مخالفت کنند
 بموجب قاعده یا نیک در نظام نامه بر آید آن تصحیح گردند
 حکم میشود. فقط از سلاح اندازان جزای نقدی گرفته نشود
 و بطبق نظام نامه جزای ملکیت سلاح اندازان یک جزا است
 نقدیه محکوم گردند جزای نقدی شان محبس تحویل میاید
 باین طریق که بر آید پنج روپیه اول (فی روپیه یکرون) و علا
 بر پنج روپیه اول (بر آید هر پنج روپیه دیگر یکرون) محبس میاید
 مگر از سلاح اندازان یک از سبب بیت و رشوت و قرت
 و ارتکاب سارّه جزا است نقدیه محکوم گردید باشند
 جزای نقدی گرفته میشود.

۶. — جریمه یا نیک قانوناً مستلزم مجازات اند بر نوع است
 اول قباحه، دوم جحه، سوم جنایت.

۷. — قباحه مستوجب مجازات تکیه بریه، جحه مستوجب
 مجازات تأدیه، جنایت مستلزم مجازات حبسیه جریمه‌ای هستند.

۸. — مجازات تکیه بریه در باره کافه منوبین عسکریه، از ۲۴ ساعت

تا ۵۰ روز جزا می‌جس است، و در باره سلاح اندازان
از سه چوب تا پانزده چوب جزا می‌ضرب، و جزای موقوفیت
رتبه هاسه خور و حنا بطان هم از مجازات تکریریه است.
۹. — مجازات تأدیبیه در حق منصبداران عبارت است از جزا
موقوفیت از رتبه عسکریه شان، و در باره همه منوبین
عسکریه [از چهل و پنج روز تا سه سال حبس عادی] و بر
سلاح اندازان جزا می‌ضرب است [از پانزده چوب
تا هشتاد چوب]

۱۰. — مجازات تربیتییه در حق عموم منوبین عبارت است
از جزا می‌جس [از سه سال تا حبس دوام و اعدام]
۱۱. — جزای حبس که متعلق است به مجازات تکریریه، بنام نظر بندی
و حبس ریاضت دو نوع است، حکم نظر بندی که در حق منصبداران
صادر گردیده باشد در حالیکه در کوته خودشان بوده
بر دروازه خودشان کینفریده دارند معین باشد اجرا می‌گردد
و حبس ریاضت در درون چادری در یک کوته که براس

منصبداران حبس خانہ اختیار کر دیدہ، درجائیکہ درجہ
آن یک پڑا استادہ باشد ایفاسے یابد و سلاح
حبس ریاضت محکوم گردید باشند منفرداً یعنی تنہا
تنہا حبس سے شوند، و منصبداران سلاح اندازیکہ
حبس ریاضت محکوم گردیدہ در روز تنہا دو پا و دندان
خشک و بقدر ضرورت آب دادہ میشود، غیر ازین دیگر
رقم خوراک و چای و تمباکو و قہوہ و از قبیل آن دیگر کیفیات
دادہ نمے شود.

۱۲۔ کسانیکہ از جملہ خورد و خانا بطان و دولی مشران از سہ چہ

تا پانزدہ چوب بجز اسے ضرب محکوم گردید باشند، و
پیش رو سے ہم رتبہ ہا سے خود مجازات میشوند، چون این
مقدار جزا سے ضرب جزا سے حبس از بیت و چہار ست
تا چہل و پنج روز مستوجب موقوفیت رتبہ شان میگردد.
و براسے اینکہ قدر و قیمت ایشان در نظر سپاہیان نقصان
نپذیرد و جزا سے ضرب شان در پیش رو سپاہیان از رتبہ

۱۳. — کسانیکه از جمله سلاح اندازان مجزای ضرب محکوم میشوند بایک
چوب صاف بے شاخچه که پنج پدست دراز و گلی آن
بعد از گشت چک باشد زده میشوند، هر اے ضرب
درجهه صفِ حرب تو لے ویا کند که محکوم بآن منوب است
و در پیش رو بے منصبداران نوکری والا بے همان تو لے
و کندک اجرا میشود .

۱۴. — خور و رضا بطان و دگلی مشرانیکه بجازات تأدیه محکوم گردیده
باشند رتبه شان موقوف میشود، و تا زمانیکه دو سال
بمحیثیت یک سپاهی خدمت عسکریه را ایفا کنند دوباره
ترفع نمیشوند، خور و رضا بطان و دگلی مشرانیکه رتبه شان
ساقط گردیده مجزای ضرب محکوم شده باشند در پیش رو
بهیئت عمومی قطع که بآن منوبند زده میشوند .

۱۵. — منصبدارانیکه یک سال و یا زیاده بر آن محکوم گردیده
باشند، در عین زمان مجزای موقوفیت از خدمت
عسکریه هم محکوم میشوند .

۱۶۔ حکم ہے موقوفیت منصبدارانیکہ بجز اسے موقوفی محکوم

گردیدہ باشد بوجہ ذیل اجرا سے پذیرد۔

اولاً۔ منصبداران سلاح اندازان غنڈویا کنڈیکہ منصبدار

محکوم بآن منسوب است، سبے سلاح گردید درجن

چھاونی و یا میدان تعلیم اجتماع میکند۔

ثانیاً۔ بشرطیکہ بر بالائے منصبدار محکوم هیچ کی از علامات

عسکری موجود نباشد، و در حالیکہ در محافظت یک

قطعه مسلح پناہ نفری عسکری بوده باشد جیہ

صف حرب این عسکر آردہ میشود۔

ثالثاً۔ یکی از اعضائے چھان یوان حربیکہ حکم دہد و بآؤ

دادہ است مضبوط دیوان حرب را بصورت

فرمانیکہ از طرف اشرف پادشاہی تصدیق آرا

حادی بوده است قرائت میکند۔

رابعاً۔ اگر مطرود علاوہ بران بجز اسے جسے محکوم گردید باشد برا

پورہ کردن جزئی خود را در حسن خانہ ملکیت کو توئی میم

۱۷. — سلاح انداز نیکه بجز اسلحه ضرب از پانزده چوب الی هشتاد
چوب محکوم گردیده باشند پیش از اجرا یافتن جزا ضرب شش
بیطیب معاینه کنند و میباید اگر محکوم بیمار باشد، بعد از
رفع و ازاله بیماری بجزا میرسد.

۱۸. — خواه سلاح اندازان خواه منصبداران که زیاده از کسالت بجزا
حبس محکوم گردیده باشند، در حبس خانه کوتوالی بایضا
بدت حبس شان مجبورند و همچنین اشخاص از خدمت حلیه
عسکر تیره محروم میگردند.

۱۹. — جزا های اعدام هرگاه موافق بنظمنامه جزای عسکری
از دیوان حرب صادر گردیده باشد، طرز اجرا به حکم که
در این باب داده شده باشد بوجه ذیل اجرا میگردد.
اولاً — همان غنچه و یا کندیکه محکوم بدان منسوب است بمسلاح
گردیده در تحلیکه «میدان سیاست» مقرر گردیده
باشد فراهم کرده میشود.

ثانیاً — در حالیکه بر محکوم هیچ یکی از لباس و علامات عسکری

موجود نباشد و تحت محافظه یک قطعه مسلح سپنج

نفری میدان سیاست یعنی قتل گاه آوده میشود.

ثالثاً — یکی از اعضاے همان یوان حرب که در بار

اعطای حکم نموده، اعلام حکم را با فرمان جانی

که آنرا تصدیق میکند جهرأ میخواند.

رابعاً — چشم های محکوم را بسته محل مخصوص زندانی

در آنجا بیک قطعه دوازده نفری از سپاهی

بسیار ماهر و مکمل که از اول احضار گردیدند

از طرف توله مشر فو کری و الالباش است

بر بالاسی محکوم حکم آتش آده میشود و نشان پنهانی

بر سینه محکوم بنشان گرفته و آتش در آن مجروح

۲۰ — محکوم پیش از آنکه بمیدان سیاست آوده شود، بالای

آبدست کنانیده دو رکعت نماز خوانده میشود و بواسطه آن

کندک که در آنجا موجود میباشد توبه و استغفار باد آنجا

داشتن و یا نداشتن وصیتش از در پرسید میشود.

۲۱. در روزهای جمعه و سایر ایام مبارکه و مخصوصه حکم اعدام
اجرا نمیشود.

۲۲. اگر حکم اعدام بر طبق نظامنامه جزای ملکیه از طرف یوان حرب
و یا از طرف محکمه عدلیه داده شده باشد در اول امر بطریقیکه
در قاعده (۱۵) بیان گردید، بعد از آنکه معامله موقوفیتش
در پیشرو س قطعه عسکریه که بان منسوب است اتمام پذیرفت
برای اینکه حکم اعدام موافق باصول ملکیه اجرا یابد، خودش
بکو توالی تسلیم کرده میشود.

۲۳. مجرمین عسکریه که زیاده از یکسال محبس محکوم گردیده باشند،
بعد از آنکه بکو توالی سپرده شوند، مثل محکومین ملکیه مدت جزای
خود را ایفا و اكمال مینمایند.

۲۴. یک شخصیکه بروی چندین جرم بیک باره کی ثابت شوند،
از جمله آنها بموجب همان جرمیکه مستلزم جزای سنگین باشد
حکم در باره وی صادر میگردد.

۲۵. تخفیف جزای محکومین عسکریه فقط از جمله حقوق پادشاهی است.

۰۲۶ — حکم جزا بر جرمیکه از نوع جنحه و جنایت باشند همان

حضور دیوان حرب بالمحاکه صادر میگردد .

۰۲۷ — براسی جرمیکه از نوع قباحات باشند صاحبان هر رتبه در باره

ماتحتان خود بر وجه ذیل اختیار دادن امر جزا دارند :

اول — سپه سالار، نائب سالار، فرقه مشران،

لوا مشران در باره منصبه آنان ماتحت شان [از

بیت و چهار ساعت تا چهل و پنج روز نظربندی

و حبس ریاضت]

و در باره سلاح اندازان [از بیت چهار ساعت

تا چهل و پنج روز نظربندی و حبس ریاضت، و از

سپه چوب الی پانزده چوب ضرب]

سپه سالار اختیار رفع رتبه و خور و ضابطان

و دولی مشران را هم دارد .

دوم — غنیمت مشرا اول و ثانی و کندک مشران ^{ان} در باره منصبه

ماتحت خود [از بیت چهار ساعت الی پانزده روز

نظر بندی و حبس ریاضت [

در حق سلاح اندازان [از بیست و چهار ساعت

تا پانزده روز نظر بندی و حبس ریاضت ، و از

سپه چوب الی ده چوب جزا بے ضرب [

سوم — کاتب غنڈ کاتب کندک برادر راست در باره

جرم سرپرک مشران و کاتب های تو لے کرد

معیت شان سخدم میباشند به غنڈ مشران

و کندک مشرانیکه بآن منوبند مراجعت کرده جزا بے

شان از اتحاد ید نموده میتوانند .

چهارم — تولى مشران در باره ضابطان و سلاح اندازان

ما تحت خود شان [از بیست و چهار ساعت تا سه روز

نظر بندی و حبس ریاضت [

پنجم — بلوک مشران اول و ثانی در باره سلاح اندازان

ما تحت شان [از بیست و چهار ساعت تا سه روز

نظر بندی و حبس ریاضت [

۲۸. — منصبداریکه حکم جزا می ضرب را داده باشد، این جزا را
بالتذات بدست خود اجرا نمی تواند، این جزا به حال
بطریق که در قاعده (۱۳) بیان گردید در حاضری شام
اجرا میشود .

۲۹. — یک منصبداریکه قباحت ماتحت خود را مستلزم چنان جزا
نمیدرید که بالاتر از اختیار درجه خودش باشد حس نماید
بمنصبدار مافوق خود مراجعت نموده جزا نگیرد که در دایره
صلاحیت و اختیار مافوق است بواسطه خود او تحدید
کرده میشود .

۳۰. — هر منصبداریکه در داخل دایره اختیار و مافوقیت خود تحت
مجازات نماید لازم که بعد از اكمال جزا با تحریرت رسمی اصل کیفیت
و اسباب موجب آنرا بمنصبدار مافوق خود اخبار و اشعار نماید .
۳۱. — هرگاه از نوع قباحت کدام مرتبه بنا بر یک سبب از سبب
بخصوص یک دیوان حرب برسد، در حق مجرم جزا نگیرد که در
نظامنامه جزا در باره آن مندرج است حکم میکند .

فصل دوم

(صورت تشکیلی دیوان حرب یا)

۳۲ — هر دیوان حرب از یک رئیس و شش عضو ترکیب می یابد، براس

محاکمه منصوبین عسکری که در هر رتبه و هر مقام باشند علیحدت رتبه

رئیس اعضا دیوان حرب یا در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدولیک رتبه های رئیس و اعضا هر دیوان حرب را در مقابل رتبه متبین نشان میدهد		
رتبه متبیین	رتبه رئیس دیوان حرب	رتبه ها که یک از اعضا هستند
خود رضا بطان و دولتی	غند مشر و یا کندک مشر	یک کندک مشر و دولتی مشر یک بلوک مشر اول
مشران و سپاهیان		یک بلوک مشر ثانی یک خود رضا بط
بلوک مشران		یک کندک مشر و دولتی مشر و بلوک مشر اول یک بلوک مشر ثانی
دولتی مشران کاتبان گندک	غند مشر اول و یا ثانی	یک غند مشر ثانی دو کندک مشر دولتی مشر
کندک مشران کاتبان غند	لوا مشر و یا غند مشر اول	یک غند مشر اول و غند مشر ثانی سه کندک مشر
غند مشران دولتی	فرقه مشر و یا لوا مشر	سه لوا مشر سه غند مشر
لوا مشران	نائب سالار یا فرقه	سه فرقه مشر سه لوا مشر
فرقه مشران		دو نائب سالار چهار فرقه مشر
نائب سالار یا	نائب سالار	سه نائب سالار سه فرقه مشر

۳۳. — محاکمه سپه سالار مانند وزیر دیوان عالی عاید است .
۳۴. — رئیس اعضا دیوان حرب بهمه حال بایقعه افغانستان باشند و عمر هر یک یکم شان از بیست سال کمتر نباشد و با ستم و قربت و نه منافست داشته باشند و نه در این ایشان و ستم یک سابقه غرض نفسانیت بوده باشد .
۳۵. — در هر فرقه پیاده و سوار ی، و در قوماندهانی مرکزی کابل برآ محاکمه سپاهیان و خور و ضابطان و ضابطان یک یک دیوان حرب دائمی تشکیل گردیده است، رئیس اعضا این دیوان حرب با سببیکه سال یک دفعه تبدیل می یابند از میان آمران و ضابطانیکه بصنوف مختلفه فرقه منسوب باشند متناوباً انتخاب میگردند، و رئیس اعضا دیوان حرب دایمی که در قوماندهانی مرکزی کابل است از میان آمران و ضابطانیکه به فرقه رساله شاه ی کابل و غنچه محظار گ و غنچه نمونه منسوبند انتخاب کرده میشوند، تطبیق دستخط های اعضا دیوان حرب دایمی و رئیس آن از طرف قوماندها

فرقه مصدق گردید وزارت حربیه فرستاده می شود،
در آن مجلس عسکری حفظ کرده میشوند .

۳۶ — هرگاه محاکمه یکی از آمران و یا ارکان لازم آید، بطریقیکه

در قاعده (۳۲) بیان گردید یک دیوان حرب موقت

تشکیل میگردد .

و اگر در یک فرقه براساس تشکیل یک دیوان حربیکه برتبه هشتم

متناسب باشد بدرجه کافی منصبداران یافته نشوند وزارت

حربیه مراجعت میشود، و بواسطه وزارت یا از فرقه های

دیگر انتخاب گردید بمحل مذکور سوق میشود، و یا خود به هم کمال

جلب گردید در وزارت حربیه در دیوان حربی عیناً

باصولیکه در جدول نشان داده شده تشکیل گردید باشد

محاکمه اش اجرا میگردد .

* *

*

فصل سؤم

(صورت سوق مهنوین عسکریه بدیان حرب صورت اجر اعلیٰ صورت)

(تصدیق حکم با سیه دیوان حرب در باره آنها)

۳۷. — مجروریکه از طرف مافوق ارتکاب جرم بدرجه جنه و جنایت
از یکی از منصبداران سلاح اندازان خبر گرفته شود و یا جس
در باره آن یا بالذات و یا نظریه اهمیت جرم بواسطه یک
پیشینه که از سه منصبدار مرکب باشد تحقیقات ابتدایه اجرا
کرده میشود.

کسانیکه به اجرای تحقیقات ابتدایه مأمورند جمیع افادته
که مدار ثبوت جرم باشند قید و هر قدر دلائل و امارته را
که در آنخصوص موجود اند کافه آنرا ضبط و حفظ میکنند، هرگاه
جرم مطنون متعلق باشد بحسابات همه اوراق حسابیه اش
تدقیق و از میان آن هر قدر اوراقیکه شبهه ناک مدار
ثبوت جرم او باشند کذلک در میان اوراق تحقیقیه

ادخال کرده میشوند، جمیع صحیفه هایکه افادات مظنون شهوذا
حادی بوده با کافه کتابها و اوراق ثبوتیه به مأمورین تحقیق
کرده میشود، و مظنون نیز چنانچه بدستخط کردن صحیفه افادات
خود مجبور است همچنان در آنرا فاده یا به خود این جمله را که
اوراق حسابیه که مدار ثبوت جرمند همگی بخودش عاید میشد
دستخط و تصدیق میکند، بعد از آن مأمورین تحقیق یک
خلاصه که نتیجه تحقیقات را مبین، و بر افادات و اوراق
ثبوتیه مبتنی باشد با فکر و قناعت مخصوصه خود مامورین
و یا عدم جرم بیان و اوراق را بذاتیکه تحقیقات را امر داده است
تقدیم میکنند.

مأمورین تحقیقات باید از روی رتبه مافوق کس باشند
که در خصوص تحقیقات اجرا کرده میشوند، و یا بهمه حال هم تبه
بودن شان لازمیت.

۳۸ — هرگاه در نتیجه تحقیقات در صورتیکه بوقوع جرم قناعت مطلقه
حاصل گردد، و مظنون از رضا بظان و سلاح اندازان باشد

بدیوان حرب دائمی فرقه سپرده میشود، و اگر مظنون از غیر
فرقه رساله شاهی کابل بوده یکی از قطعات یا تشکیلات
عسکریه منسوب، و یا خود ما ذوقاً و یا مأموراً در کابل ساکن باشد
بدین حرب دائمی قوماندهانی مرکزی کابل حواله و تودیع میشود
اگر مظنون از جمله آمران و یا ارکان باشد اوراق تحقیقه و
بوزارت حربیه تقدیم، و در باره لازم تحت محاکمه گرفته
شدن او اجازت طلب میشود، وزارت حربیه نیز تائید
دائرة محاکمات وی تشکیل یابد اوراق تحقیقه را در مجلس
عسکری، و بعد از تشکیل یافتن دائرة محاکمات بخود دایره
مذکور حواله میکند، تدقیقات اوراق تحقیقه بحلس عسکری
و یا دائرة محاکمات هرگاه در باره وقوع جرم قناعت نبخشند
یک مضبطه که لازم محاکمه مظنون را حاوی و بر لایحه وضع
مستند باشد تنظیم گردیده بوزارت حربیه تقدیم میشود
حربیه نیز این مضبطه را با یک عریضه از طرف خود افاضه
شایسته تقدیم و اجازة امان و مساعد فرموده و ایوانه میدهد

به ذات همایونی عرض میدارد، در صورتیکه معروضات مقبول
و منظور گردید مضبوط مجلس عسکری و یا دایره محاکمات مهضا
و تصدیق شایان موشح گردیده بوزیر حربیه اعاده میشود و وزیر
حربیه اجرائی محاکمه مظنون را یا در دیوان حرب همان قطعه
که بآن منسوب است، و یا در یک دیوان حربیکه در مرکز سلطنت
تشکیل داده خواهد شد امر میکند.

۳۹ — هرگاه جرم مظنون از نوع جنایت و جرایم مشهوره باشد برای
جلوگیری مظنون از فرار و یا بعض تشبثات دیگر و
که موجب اسقاط دلائل شوبیه از درجه حکم اعتبار گردد تا زمان
اجرائی تحقیقات ابتدائیه بتوقیف عادی
و یا انفرادی او موقوفش امر داده میتواند.

و اگر آوردن همه آن اوراق و دفاتر یک مدار ثبوت جرم
باشند و یا سوق کردن مسنده قهائیکه مخصوص حفظ
پولست یکجا با اوراق تحقیقیه ممکن نباشد، کافه این گونه
چیزها از طرف مأمورین تحقیق مهر و لاک گردیده در هر جائیکه

همان ذات امر دهنده تحقیقات حکم کند حفظ میشوند .
۴۰ — دیوان حرب محاکمه بصورت ذیل جریان می یابد —
اول — دیوان حرب در تحت ریاست رئیس خود مجتمع
میکند، در خانه که دیوان حرب در آن اجتماع میابد
شرط است که یک میز دایره یا لایه آن نیز پوش
قماش سبزین رنگ باشد، و رئیس باید یک
دو طرف کبر میز نشسته اعضا سه سه شد بر تپه
خودشان برابر بطرف میز و یسار رئیس خود در
حالیکه در پیش روی هر کدام یک یک قلم و دو
دیک مقدار کاغذ سفید براس قید یا دست
پای شان موجود باشد اخذ موقع مینمایند
کاتب پای دیوان حرب سمت مقابل رئیس
موقع میگردد، اینک بعد از آنکه بدین صورت
دیوان حرب تشکیل کند، مقررین مخصوص دیوان حرب
در آورده میشود، هرگاه جرم از درجه جانیست

دو نفر خرد و ضابط بے تفنگ در حالیکه فقط یک یک
حربه و یک پرچه در کمر آویخته باشند راست
و چپ مظنون ایستاده و طیفه محافظت و پهره
داری را ایفا نمایند .

در دروازه دیوان حرب یک نفر پهره دار برچه یک
موجود میباشد و بدون اجازه رئیس احدی
بداخل شدن نمیکند .

دوم — رئیس اسم خود مظنون ، و اسم پدر و مملکت ،
وسن و رتبه ، و تامل و نام و نمبر قطعه او را می پرسد
و این سوال یا با جواب یا نیکه مظنون میداد طرف
کاتب عیناً ضبط و ثبت میگردد ، و متصل آن
بکاتب قرائت اوراق تحقیقیه که در باره مظنون
امرداده میشود ، کاتب بعد از آنکه همه اوراق را
سمع تا پا خواند مظنون از حضور دیوان حرب
بیرون کشیده میشود ، و بیک خانه که در آن

هیچکس نباشد برده میشود، میست یوان حرب
بر اوراق تحقیقات ابتدایه علم آورده بعد
قرار میدهند، که آیا مبارزت نمودن بجایکه ممکن است
یا نه، و آیا دلایل جرمیه تماماً در دست است
یا خیر؟ بعد با گردیوان حرب در حضور خود بدام
محا که قرار بدید منظنون بالتکرار بحضور دیوان حرب
جلب گردیده با جرای محاکمه آتش آغاز میشود
و منظنون از طرف رئیس استجواب میگردد،
در اثنا این سوال جواب هیچ یکی از اعضا
در مقابل منظنون شاید با یک سوال هم ایراد
کرده نمیتوانند، اگر روشن گردانیدن تفصیل
دادن بعضی نقطه ها را لازم ببینند از بیک
بسیار آهسته بر رئیس عرض میدارند، در اثنا
دوام محاکمه در میان اعضا محکمه بصورت
باید تعاطی رمز و کنایات نشود، و ضاحک بحث

هیچ یک مکالمه باید از طرف رئیس و نه از طرف
اعضا بر پا گردد، حتی بسپاره کشیدن و نان
خوردن و الحاصل هیچ یک حرکتی که خلاف
هیبت هدیت باشد هیچ وجه مبادرت و رزید
نشود، بعد از جلب شهود و اتمام معاملات سازه
که در نظامنامه محاکمات جزاییه متعرج گردید
هرگاه بجرمیت مظنون قناعت حاصل شد
نظر بنوعیت و درجه جرم یکی از جزایایه که در این
(نظامنامه جزاییه عسکری) مندرج گردیده
محکوم میگردد، و حکم بجرم فہائیدہ منہ شود این
لازم نیست کہ بہر حال اجراء محاکمہ در یک
جلسہ اتمام پذیر گردد، بلکہ نظریہ لزوم آن در جلسہ ہا
متعدد بمحاکمہ دوام ورزیدہ میشود .

توم — اگر دیوان حرب حکم کند کہ اوراق تحقیقیہ بدرجہ
کہ ہنوز قابل اجراء محاکمہ باشند مکمل نگردیدہ

و بلکه به اجراء تحقیقات مزید محتاج است لهذا
یکی از اعضا به خود مستقل انتخاب میکند
و اجراء تحقیقات مکمل استنطاقیه را به
عمر سپارد، مستنطق بعد از احوال طیفه خود
اوراق تحقیقیه ابتدائیه را با یک قند لکه کبر
علیه منطون حاوی برد لایل شوی تیره است بر
تقدیم میکند و متعاقب آن بطریق دیگر بالا
در فقره (۲) بیان گردید محاکمه جریان میگیرد
چهارم — منطون رأس عدم اعتماد خود را در باره اعضا
دیوان حرب بشرط میان آوردن لایل شوی
و قطعیه بیان کرده میتواند در حال وقوع این
یک اذعان منطون به بیرون کشید میشود
و اعضا یک در حق شان رأس عدم اعتماد
داد شده نیز موقتاً بیرون است بریندا
باقیه دلائل را که منطون بیان کرده است مستنطق

میکند که آیا بدرجه کافی قناعت بخش
هستند یا خیر؟ آخر الامر باید خواهش مظلون
قرار داده اعضائیکه موضوع بحث اند بالتکرار
بدیوان حرب اذخال گردیده و مظلون را دست
گردانیده بجا که دوام درزیده میشود، و یا آنکه
در عرض آنها تعیین گردیدن اعضا ب دیگر
بقوتان جهان قطع که دیوان حرب بآن
منسوب است عوض کرده میشود.

۴۰. — بعد از آنکه از دیوان حرب حکم صادر و مجرم فغانیده شد
دیوان حرب یک مضبطه مفصله تنظیم میکند و درین مضبطه
اذلاً جمیع دلائل که در ثبوت جرم باشند بیکان یکان
تعداد کرده میشوند، و افادات مجرم نیز خلاصه ذکر میشوند
و در نتیجه نوشته میشود که از فلان فلان لایل امارات
بر ثبوت جرم قناعت حاصل گردید و با فلان نوع جرم
بحریت مجرم قرار داده شد و متعاقباً مجرم موافق بفلان

قاعده نظامنامه جزای عسکری محکوم گردید بلکه ضرورت
که عیناً همان قاعده نظامنامه جزای عسکری محکوم
متعلق است در مضبط درج گردد.

۴۲. — اگر محکومیت بدرجه جنایت بوده باشد، و مجرم خواه سلاح
انداز باشد، و یا منصبدار، مضبط دیوان حرب که در حق
او داده میشود از طرف رئیس دیوان حرب بقوماندهای کرنی
کابل و یا قوماندهای فرقه تقدیم گردید از آنجا بوزارت حربیه
فرستاده میشود و وزیر حربیه مضبط را (بمجلس عسکری) و یا دفتر
محاکمات حواله مینماید، در آنجا بعدالتدقیق هرگاه قناعت
حاصل آید که جریان یافتن محاکمه سرایا با اصول و نظریه
جرم تحدید گردیدن جزا موافق به نظام عمل آید، همان است
که مضبط تصدیق و به وزیر حربیه تقدیم میشود و وزیر حربیه
آزایاب یک تذکره معروضه خود بحضور مبارک شاهانه
عرض میکند، و بعد از آنکه از طرف اشرف ملوکایه تصدیق
فرموده شود دوباره بوزارت حربیه اعاده گردید حکم

ہم انجا در معرض اجرا گذار شتہ میشود، و ہر گاہ مضبطہ
قناعت بخش دیدہ نشد، و در اجراء ہے محاکمہ بعضی
نواقض مشاہدہ افتاد نقطہ ہائے جالب ترددش
با نقطہ ہائے نقصان مندان در مضبطہ کہ (مجلس عسکری)
تنظیم و تدوین کردیدہ بمعرفت قوماندانی فرقتہ کہ دیوان حرب
بآن منسوب است، واپس بہان دیوان حرب عادیہ میشود،
و در انجا نقصان واقع اتمام پذیرفتہ حکمیکہ بار دوم اعطا
گردد یا مضبطہ مجلس عسکری و بہان مضبطہ دیوان حرب
مختصین کجا دوبارہ بوزارت حریتہ تقدیم کردیدہ و معاملات
باقیہ سابقہ بتکرار اجرا پذیر میگردد.

۴۳۔ ہر گاہ جرم از نوع جحد و محکوم کی از آمران و یا ارکان باشد
باز ہم مضبطہ بوزارت حریتہ تقدیم کردیدہ بعد التذقیق
در مجلس عسکری و یا در ارادہ محاکمات بمعرفت وزیر حریتہ
بمضور مبارک شایان عرض میشود، و بعد از تصدیق
اعلحضرت شہریاری ہر حکم کہ باشد در وزارت حریتہ

اجرا پذیر میگردد و در صورتیکه نقطه ماسه جالب تر و دما
گردد، بموجب فقره اخیر قاعده (۶۲) معالیه میشود.
۶۴. اگر جرم از نوع جزیه بوده محکوم از ضابطان یا سلاح اندران
باشد، و حداظم حکومت حبس یکسال و یا در باره سلاح
اندران متعلق باشد بجزایه ضرب از (۱۵) چوب
الی (۸۰) چوب فرماندهانها به فرقه مضبط دیوان حرب را
تصدیق نموده در موقع اجرا میگذارند و یک نقل مضبط
دیوان حرب را به وزارت حربیه تقدیم میکنند، اگر محکومیت
متعلق بجزایه حبس از یکسال تا سه سال، و در باره
ضابطان عاید بجزایه موقوفیت رتبه باشد مضبط
دیوان حرب بوزارت حربیه تقدیم میگردد، و وزیر حربیه
هرگاه مناسب دید آنرا در مجلس عسکری و یا دایره محاکمات
تدقیق مینماید، و یا هیچ و اینجا با آنرا تدقیق نموده بالذات
تدقیق و تصدیق مینماید، فقط براساس اجرائیه حکم موقوفیت
که در باره ضابطان صادر گرد و لازم است که باین

کردن اسباب موجب آن از حضور مبارک شاهانه اجازت
خواسته شود.

حکمای جنج که تصدیق وزیر حربیه رسیده باشند در
نزد قطعه که محکوم بدان منسوب است اجرا پذیر میگردند،
منصبداران و سلاح اندازان که زیاده از یکسال بجزا
جلس محکوم گردند، بعد از آنکه بموجب قاعده (۱۲) معامله
موقوفیت شان اجرا گردد با مضبطه که حکم جس شانرا
تامیعا معین حاویست، و نقل تصدیق نامه وزارت حربیه
و صورت اراده سنیه که در باره شان صادر گردیده
یکجا بکو توالی تسلیم میشوند.

۴۵. — حکمای جنج که از دیوان حرب قوماندهانی مرکزی کابل
داده میشوند، از طرف قوماندهان مرکز تصدیق شده نمیتوانند
درجه این محکومیت هر چه و هر قدر که باشد از بهر تصدیق
به وزارت حربیه تقدیم میشود، و بعد تصدیق حکم از جانب
قطعه عسکریه که محکوم بان منسوب است اجرا پذیر میگردد.

۴۶. — هرگاه در اثنای محاربه با دشمن جریمه بآن ارتکاب ننهد
شده فوق العاده جایز اهمیت باشد، و قوماندا نقل
ارد و یا فرقه مستقل در صورتیکه از یکطرف در حال زخم
ابر از نمودن یک عبرت مؤثره بغایت سریع رسد کند
و از طرف دیگر وقت و زمان را با سستی آن اجازت طلبیدن
از وزارت حربیه مساعد ننهند، همان است که مضبوط
حکمائے راکه در باره جنایت از دیوان حرب با صادر
میکردند، در عهد خود گرفته بتصدیق و اجرا
آن مأذون است، مگر بعد الاجرا کیفیت را با یک نقل
مضبوط لفاً و ذکر نمودن اسباب موجب که تجاوز صلاحت
خود را ایجاب نموده است تفصیلاً به وزارت حربیه اطلاع
دادن مجبور است .

۴۷. — هرگاه حکمی یک از دیوان حرب صادر میشوند مخالف بر
وقناعت ذاتی دیده شود که مجرم را بدیوان حرب تودیع
نموده است، باین بیان کردن اسباب موجب آن از طرف

همان ات مضبوط با تکرار بدیوان حرب عاده میشود فقط
اگر دیوان حرب بر حکم سابق خود اصرار نماید قوماندها را که اگر
دائرة اختیارات و صلاحیتش باشد حکم را تصدیق میکند
و یا آنکه براسه تدقیق یافتن در مجلس عسکری در صورتیکه خود
آرزو کند و یا از درجه صلاحیتش بالاتر باشد تقدیم کردن آن
بوزارت حربیه مجبور است .

۴۸. — براسه محاکمه ضابطان سلاح اندازان کو توانی و پولیس که
در داخل ایالت کابل هستند (در وزارت امنیت عمومی)
بوجوب قاعده (۳۱) یک دیوان حرب دایمی تشکیل میشود.
محاکمه ضابطان و سلاح اندازان کو توانی و پولیس که در ملحقات
هستند بشرط بودن لا اقل سه نفر ضابطان کو توانی و پولیس
در میان اعضا دیوان حرب هاسته دایمی که در مرکز هاسته فرقه
و لو اے مستقل هانجا یا بیبا سهند در هانجا یا اجرا میشود.
از جمله هر هاسته چنانکه از دیوان حرب دائمی وزارت
امنیت عمومی در باره ضابطان افراد صادر میگردد از طرف

وزیر امنیت عمومی را سباً بعد از تدقیق اجرا میابد
 برای محاکمه آمران کو توالی و پولیس مرکز دهمورت
 مراجعت بوزارت حربیه یک دیوان حرب مخصوص
 تشکیل میابد و درین دیوان حرب همه حال موجودیت
 سه نفر آمران کو توالی ضروریست و پیش از آنکه ایشان
 در تحت محاکمه گرفته شوند با بیان گرون و در میان
 آوردن اسباب موجب معرفت وزیر امنیت عمومی
 از حضور همایون شاهانه اجازت خواسته میشود
 بعد از تدقیق اوراق حکمیه منسوبین کو توالی مضبوط مجلس
 عسکری بواسطه وزیر امنیت عمومی بحضور اعلی حضرت بهائی
 تقدیم می یابد .

۴۹. — در صورتیکه موافق بنظامنامه مخصوص دولت در یک محلی
 حکمت عسکری اعلان گردد، محاکمه کسانی که خواه از رعایا
 و نظامی با خلل و برهم زدن امنیت خارجی و داخلی
 افغانستان تشبث ورزند با کسانی که مقررات حکومت

عسکری مخالفت کنند، در یک دیوان حربیکه بامر حکومت
عسکری منسوب است و بصورت مخصوص تشکیل گردید اجرا
میشود، و درین دیوان حرب حکومت عسکری محاکمه بر طبق
و طرزیکه در قاعده های (۳۷) و (۳۸) و (۳۹) و (۴۰) و (۴۱) بیان گردیده جریان می یابد لکن
حکام این دیوان حرب قطعی بوده هرگز قابل مرافعه و تمیز نیست
آمر حکومت عسکری حکمهای را که جس پانزده سال را
حاوی باشد پیغم تصدیق و اجرا میکند و حکمهاییکه از آن
بالا تر باشد یا حکمهای (اعدام) بوزارت حرب تقدیم
مینماید و از طرف وزیر حرب به حضور اعلی حضرت ششریاری
عرض گردیده بمنظوری ملوکانه رسانیده میشود، و در بعضی
حالات در خصوص فی الفو اجرا و منظوری و جرایم اعدامیکه
از دیوان حرب حکومت عسکری صادر گردد، ذات اعلی حضرت
پادشاهی بامر بزرگترین حکومت عسکری صلاحیت مخصوصه
اعطا میفرمایند، و در این صورت بعد از اجرا یافتن حکمها

مضبط دیوان حرب از طرف آمر حکومت عسکری

بوزارت حربیه تقدیم میگردد .

۵۰. — هرگاه در حین ارتکاب یک جرم بودن مجرم در حالت

یعنی دیوانگی تبیین و اثبات گردد از مجازات قانونی کلی

معاف دانسته میشود .

۵۱. — هرگاه یک مجرم بنا بر اطاعت به امر و اجبار یک آمر مجرم

مرتکب جرمی گردد خودش از مجرمات معاف شناخته میشود

و جزا عیناً در حق همان آمر مجرم حکم و اجرا میگردد .

۵۲. — هر یک از جمله فاعلین مشترک یک جرم، مانند فاعل منفرد

جزا می بیند .

* *

*

باب دوم
(احکام جزائیه)
فصل اول
(جنایت وطنیه و جاسوسی)

۵۳ — هرگاه یکنفر نظامی افغانستان با دشمن متفق گردید بر علیه

افغانستان استعمال سلاح نماید [اعدام]

۵۴ — هرگاه یکی از تبعه دشمن در اثنای محاربه از طرف افغانستان

اسیر گردیده، و بعد از آنکه بر بیطرف ماندنش از هر گونه اقدام

و تشبیهات در حق افغانستان بناموس خود قول گویند

نموده بمملکتش رها داده شود، و باز نقض عهد نموده مایل

بر علیه افغانستان در محاربه شریک گردد، و بار دیگر دستگیر

شود [اعدام]

۵۵ — هرگاه یکنفر نظامی افغانستان، قوت و یا ترتیبات وضع

الجبیشی قطع عسکری را که بدان منسوب است، یا پلانیهای

از قلعه های افغانی، و یا آنکه محل مقدار اسلحه و جباخانه
دار از آنیکه برای اداره عسکر جمع و اذخار گردیده، و یا خود
نام شب و یا دیگر اسرار عسکریه را بر راه راست و یا بواسطه
بدشمن معلوم و اشعار نماید [اعدام]

۵۶. — هرگاه یکنفر نظامی افغانی برای ترویج مقاصد دشمن

با او مخایره نماید [اعدام]

۵۷. — هرگاه بعضی از افراد نظامی یک قلعه افغانی در صورتیکه
از طرف دشمن بمحاصره دوچار گردیده باشد، در میان خود متفقاً
بچنان مذاکرات تشبث ورزند که قومانده قلعه را تسلیم
بدشمن اجبار و تکلیف نمایند [اعدام]

۵۸. — هرگاه یکی از تبعه افغانستان و یا از تبعه اجنبی بغرض
استحصال معلومات برای دشمن بیک قلعه و یا
و یا خود در یک اداره خانه عسکری، و یا یک فابریکه و یا
در اردوگاه یا منزل جاها بکشاده و خیمه دار و در
افغانی داخل شود [اعدام]

۵۹. — عسکر افغانی را در مقابل دشمن یا اشتقیاے مسلح بغیر تشویق

دادن و یا از جمع آوری منع کردن [اعدام]

۶۰. — از چنان وسایط و تدابیر که به اجراء حرکات عسکری اُردو

مانع شده تواند و یا امنیت یک قطعه دیاقرا و خانه و یا دیگر

انبیه ها را در تهلمه و خطر اندازد، دشمن را خبر گردانیدن [اعدام]

۶۱. — موقع پائے راکه بر اے اردو کی نگاہ اتخا ذکر دیده باشد،

بدشمن نشان دادن [اعدام]

۶۲. — جاسوس پائے دشمن و عسکر پائے دشمن که بغرض کشف کند

باشند، دیده و دانسته پنهان کردن یا نگاہ داشتن [اعدام]

۶۳. — عسکر افغانستان را بطرف دشمن بغیر تشویق نمودن،

و یا کسانیکه میخواهند بطرف دشمن فرار کنند، در راه فرارشان

تسهیلات بهرسانیدن و یا منفعت دشمن عسکر

جمع کردن [اعدام]

* *

*

فصل دوم

(مخالفت بغیر ایمن عسکریه)

۶۴. — هرگاه یک قلعه افغانی از طرف دشمن در زیر محاصره گرفته شده باشد، و منصبدار محافظ آن پیش از استعمال نمودن کافه وسایط مدافعه که در دست دارد و بلا احوال همه ایجابات فریضه ذمت و ناموس خود بخلاف دشمن با او صلح نموده قلعه را تسلیم نماید [اعدام]
۶۵. — هرگاه یک قوماندانیکه با دایره یک قسم اردو کافغانستان در محاربه صحرا نامور و معین باشد، با وجودیکه ایجابات فریضه ناموس خود را کاملاً بجا آورد، ولیکن در دایره شرایط مصالحه که با دشمن عقد میکند موجب تسلیم سلاح عسکر معیت خویش بدشمن گردد [اعدام]
۶۶. — هرگاه شرایط مصالحه قوماندانیکه در قاعده فوق بیان شده موجب تسلیم سلاح اردو نگردیده، تنها بقتل کشیدن اردو

منج گردد. [طرد از سلك عسكى]

۰۶۷ — هرگاه کدام نفر نظامى كه پيره جاى خود را ترك كند،
اول — اگر در مقابل دشمن و پلایان مسلح باشد

[اعدام]

دوم — اگر در حال حضر باشد در باره منصبداران

[از پانزده روز تا چهل روز حبس]

در باره سلاح اندازان]

الى ۴ چوب ضرب

۰۶۸ — هر نفر نظامى كه در اشناى پيره بخواب رود،

اول — در مقابل دشمن و اشتقيا مسلح [از يك سال

تا دو سال حبس]

دوم — در وقت حضر [از پانزده روز ۱ — ۲

پنهل روز حبس]

۰۶۹ — هر نفر نظامى كه موقع خدمت مأموره خود را ترك كند،

اول — در مقابل دشمن اشتقياى مسلح [اعدام]

دوم — در وقت حضور در باره منصبداران [از شش ماه

تا یکسال حبس]

در حق سلاح اندازان [از سه ماه تا شش ماه

حبس]

۷۰ — هر نفر نظامی که در وقت نواختن طرم جمع و یا شش بخن

اجتماع نیاید :

در باره منصبداران [طرد از سلک عسکری]

در حق سلاح اندازان [از بیست الی هشتاد و پنج

جزای ضرب]

۷۱ — هر نفر نظامی که بعضویت دیوان حرب ^{غده} مأمور بوده باشد

معقول آزا قبول نکند :

در حق منصبداران [از یک ماه تا سه ماه حبس]

در حق خورد و خوراک بظان [از پانزده روز تا چهل و پنج روز

حبس ریاضت]

۷۲ — هرگاه منصبدار یک بعضویت دیوان حرب معین بود

فصل سوم

(عدم اطاعت و عصیان و مقاومت)

۷۳. — هرگاه لا اقل چهار نفر نظامی در حالیکه اسلحه شان بدست
بوده عصیان کنند، و به امر مختصی که از طرف مافوق
شان داده شده باشد امتناع ورزند [اعدام]
اگر عصیان کنندگان اسلحه خود را بر دایسته برخلاف
امر منصبداران خود حرکت کنند [اعدام]
اگر عصیان کنندگان مسلح، اقلاً هشت نفر یکجا بوده
بغرض نشینیدن صدای مافوق خود شتمانه و غوغا کنند
و بعصیان دوام ورزند [اعدام]
با وجود آن این جزای اعدام در باره متوقین و محکمین
عصیان و جمع منصبدارانیکه در عصیان شامل باشند
نیز حکم میشود.
و در باره سلاح اندازان [از شش ماه تا یکسال حبس]

۰۷۴ — کسانیکه از رفتن در مقابل دشمن، و یا خود از رفتن بیک
خدمتیکه از طرف مافوقش با و امر شده بایستاد وجود اصرار
امتناع در زنند:

اول — در مقابل دشمن یا اشقیای مسلح [اعلام]
دوم — در حال حضور در باره منصبداران [از سلك
عسکری طرد و از یکماه تا سه ماه حبس]
و در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب
تا شصت چوب ضرب، و از چهل و پنجاه
تا سه ماه جزا بے حبس]

۰۷۵ — در مقابل پیره دار آمدن و به امر (دریژ) پچه دار
اطاعت نمودن:

اول — در مقابل دشمن با سلاح مقابل گردیدن [اعلام]
دوم — در حال حضور بے سلاح در مقابل پیره دار
آمدن، در باره منصبداران [از سلك
عسکری طرد، و از سه ماه تا یکسال حبس]

دبرائے سلاح اندازان [از سہ ماہ تا یک سال حبس]

۷۶۔ — بسن و یا اشارہ دست و ساز اعضا، و یا با الفاظ تہیہ

و تخویف پہرہ دار را تحقیر نمودن .

دربارہ منصبداران [از بیست و چہار ساعت تا سہ ماہ

حبس]

دبرائے سلاح اندازان [از پانزدہ چوب الیہ چہل

چوب جزائے ضرب]

۷۷۔ — اگر یک سپاہی برخلاف اصولیکہ در نظام منامہ خدا

داخلی تصریح شدہ بیک منصبدار کلان خدیوے و عایت

سلسلہ مراتب براہ راست عرض و شکایت کند [پانز

چوب ضرب]

ہر گاہ یک منصبدار بہ این صورت عرض و شکایت نماید

[یک ہفتہ حبس]

ہر گاہ یک چند نفر سپاہی مجتمعاً یکجا شدہ بلا رعایت

سلسلہ مراتب براہ راست بیک منصبدار کلان عرض

و شکایت نمایند، مشوقین شان [پانزدهم] ضرب

وسی روز حبس ریاضت [

و باقی نفری شان هر کدام [پانزدهم] ضرب

و یک هفته حبس ریاضت [

* * *

فصل چهارم

(ما فوق را ضرب و تحقیر نمودن)

۷۸. — در اثنای خدمات عسکریه ما فوق خود را ضرب نمودن.

اول — هرگاه بپنجهن یک معامله ضرب در تحت سلاح

یعنی در اثنای تعلیم و مانور و یا در حال حرب

داخل یک قطعه مستطی عسکریه بوقوع آید [اعدام]

دوم — هرگاه در تحت سلاح نبوده بعمل آید [از کیل

تا سه سال حبس]

۷۹. — هرگاه در خارج خدمات عسکریه، از سبب خدمات

عسکریه معامله ضرب ما فوق بوقوع آید [از کیل

تا سه سال حبس]

۸۰. — هرگاه در خارج خدمات عسکریه و بدون خدمات عسکریه

از کدام سبب دیگر ضرب ما فوق بوقوع پذیرد [در باب]

منصبداران علاوه بر طرد از سلسله

سه ماه

تایکسال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از چهل چوب تا هشتاد چوب
ضرب، و از شش ماه تا یکسال حبس]

۸۱. — در اثنا بے خدمات عسکریت برافوق خود تشهیر سلاح نمودن.

یعنی سلاح کشیدن :

و باره منصبداران [از سه سال تا ده سال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از دو سال تا پنجسال حبس]

۸۲. — خارج خدمات عسکریت از هر سببی که باشد برافوق خود

تشهیر سلاح نمودن .

و باره منصبداران [علاوه بر طرد از سلک عسکری،

از سه ماه تا یکسال حبس]

و براسی سلاح اندازان [از بیست چوب الی چهل

چوب ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۸۳. — در اثنا بے خدمات عسکریت و یا خارج آن بر ماتحت خود

تشهیر سلاح نمودن [از یکماه تا سه سال حبس]

۸۴۔ در اثنا بے خدماتِ عسکریت و خارج آن بر ہر تہہ خود

سلاح کشیدہ و اورا ضرب نمودن :

در بارہ منصبداران [از دو ماہ تا یک سال حبس]

برائے سلاح اندازان [از یک ماہ تا چہار ماہ حبس]

اگر در اثنا بے ضرب جرح بوقوع آید، حکم آن بقرار

تمسک القضاۃ الامانیۃ اجرا میشود .

۸۵۔ در اثنا بے خدماتِ عسکریت و یا بسبب خدماتِ عسکریت

ما فوق خود را بسخن و یا اشارہ دست و یا دیگر اعضا دیا .

کہ بطرز تخویف باشد ب و دشنام نمودن :

در بارہ منصبداران [علاوہ بر طرد از سلک عسکری]

از سہ ماہ تا یک سال حبس]

و برائے سلاح اندازان [از بیست چوبالی شصت

چوب ضرب، و از سہ ماہ تا یک سال حبس]

۸۶۔ اگر جرم ب و دشنام کہ در قاعدہ فوق بیان

گردیدہ خارج خدماتِ عسکریت و بے سبب

خدماتِ عسکریتِ بعلِ آید:

در بارهٔ منصبداران [از سه ماه تا یکسال حبس]

و براساسِ سلاح اندازان [از یکجا تا سه ماه حبس]

* *

*

فصل پنجم

(نفوذ ما موریت را استعمال بجا نمودن)

۸۷. — هرگاه یک فرماندهان عسکر، بر بلاای تبعه و یا عسکری

یک دولت متفق و یا بیطرف بلا سبب بلا امر

و بلا ما ذونیت مستلماً هجوم برد [اعدام]

۸۸. — همچنان اگر بر اراضی وحدود یک دولت بیطرف یا متفق

بلا سبب و بلا امر و بلا ما ذونیت یک قم اوضاع حرکت

خصمانه را اجرا کند [طرد از سلک عسکری]

۸۹. — هرگاه یک فرماندهان عسکری، بعد از گرفتن خبررسی

متارکه و مصاحبه هم بلا سبب بحركات خصمانه دلام

ورزد [اعدام]

۹۰. — بلا امر و بلا سبب مشرق فرمانده یک قطعه عسکر یا

در عهده گرفتن و یا ترک نکردن یک فرمانده که از طرف

ما فوق امر به ترک آن صادر گردیده باشد [اعدام]

۹۱. — هرگاه یک منصفه را مافوق در حق ماتحت خود بلا سبب

معقول امضی بدید، و یا آن امضی را بالذات

بدست خود اجرا نماید [از دو ماه تا یک سال حبس]

و هرگاه ضرب مالدون بر اسب مدافعه مشرعه عن النفس

و یا مدافعه مشرعه عن الغير و یا سد و جلوگیری فساد

و یا تسکین تاراج و ینما بعمل آید، مافوق از جزا قطعاً

معاف است.

* *

*

فصل ششم
(گریختن)

۹۲. — فرار عبارت است از جدا شدن بلا اذن اجازت،
یک نفر نظامی از موقع خدمت عسکری خود، و یا از بهمان
قطعه عسکری که بآن منسوب است.

۹۳. — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه تنها بطرف دشمن
فرار کند [اعدام]

۹۴. — اگر یک چند نفر نظامی یکجا شده در اثنای محاربه بطرف
دشمن متفقاً فرار نمایند، همه شان [اعدام]

۹۵. — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن
بداخل افغانستان فرار کند [از ده سال تا پانزده
سال حبس]

۹۶. — اگر یک چند نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن
بداخل افغانستان متفقاً فرار کنند، همه شان [اعدام]

۹۷. — اگر کینفر نظامی افغانستان در وقت صلح بلا اجازت

از افغانستان یک مملکت اجنبی برود؛

در باره منصبداران [از سلب عسکری طرد و از یکماه

تاسشماه حبس]

و برای سلاح اندازان [از چهل چوب الی هشتاد

چوب ضرب، و از یکماه تا سه ماه حبس]

۹۸. — هرگاه یک سلاح انداز قطعه منسوبه خود را بلا اذن ترک نموده؛

و فردا بے همان روز نادما عودت نکند [از بیست

چوب الی چهل چوب ضرب]

۹۹. — هرگاه یکچند نفر سلاح انداز نظامی قطعه منسوبه شان را

بلا اذن متفقاً ترک نموده، فردا بے همان روز نادما عودت

نمایند، سرغنہ شان [از چهل چوب الی شصت چوب

ضرب]

و باقی شان [از بیست چوب الی چهل چوب ضرب]

اگر در میان شان منصبدار باشد [از یکمشت

تایگاه حبس]

اگر اضافه از یک هفته واپس نیاید [از دو ماه تا سه

حبس]

اگر اینچنین فرار متفقانه در وقت حضر از افغانستان بیک

مملکت خارج بوقوع آید سرکردگان مشوقین شان [اعدام]

بقیه شان [هشتاد چوب ضرب، و از یک سال تا سه

سال حبس]

و اگر در بین شان منصبدار باشد [از ده سال الی

پانزده سال حبس]

۱۰۰ — هرگاه یک منصبدار بلا رخصت زیاده از شش روز

بقطعه که بآن منوب، و یا خدمتیکه بران مأمور است نیاید

و یا آنکه از مدت رخصتش پانزده روز بگذرد [از یک ماه

تا شش ماه حبس]

اگر این حال در اثنای سفر بری بوقوع آید [از یک ماه الی

طرد، و از شش ماه تا یک سال حبس]

فصل هفتم
(اشیای عسکریه را فروختن و پنهان کردن)
(و گردنودن و خریدن و گرد کردن و چیزها)
(فروخته شده و زنده شده و دانسته)

(اطلاع ندادن)

۱۰۱. اگر کسی نظامی را پدید آید از اسلحه و جبهه خانه و یا یکی از تجهیزات
عسکره سرکاری از قبیل کمر بند و قانچ و پشت و نیمه و غیره را
بفروشد [اشیای فروخته شده از کسی که خریده است
و پس گرفته شود، اگر استوار آن ممکن نباشد قیمتش
از دویز بقیمت او ان گرفته میشود، و همان نفر نظامی که
اشیای را فروخته است، از شش ماه تا یک سال حبس]
۱۰۲. کسی که دانسته اشیا عسکره سرکاری را بخرد، و کسی که
فروخته شدن اشیا عسکره سرکاری را بداند پنهان کند
هر کسی که باشد [از دو ماه تا یک سال حبس]

۱۰۳۔ از قسم البسه و کالاد بوت، و از همین قبیل اشیای

عسکریت سرکاریرا فروختن [از پانزده چوب الی چهل

چوب ضرب]

۱۰۴۔ کسکه دانسته اینگونه چیزها را بخرد، و یا فروخته شدن

آزاد دانسته پنهان کند؛

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب الی

چهل چوب ضرب]

و در باره منصبداران و یا یکی از رعایا [از پانزده روز

تا چهل و پنج روز حبس]

۱۰۵۔ جبه خانه واسلمه و البسه و سایر اشیای راکه برای

خدمت عسکریت داده شده باشد بیک طرفه

پنجهان کردن؛

در باره منصبداران [از چهار ماه تا یک سال حبس]

برای سلاح اندازان [از پانزده چوب الی چهل

چوب ضرب، و از یکماه تا سه ماه حبس]

۱۰۶۔ از البسہ و اشیاے سائرہ کہ از طرف دولت برآ

خدمت عسکری داده شده باشند گردنودن :

در باره منصبداران [از یکاه تا چهل و پنج روز جلس]

و برآی سلاح اندازان [از پانزده چوب تا چهل

چوب ضرب]

اگر اسلحه را گردنایند برآی منصبداران [از سیاه

تا ششماه جلس]

برآی سلاح اندازان [از چهل چوب تا شصت

چوب ضرب]

۱۰۷۔ کسانیکہ اینگونه اشیا را گردگیرند در باره سلاح

اندازان [از پانزده چوب الی چهل چوب ضرب]

و برآی رعایا و منصبداران [از ده روز الی

یکماه جلس]

* *

*

فصل هشتم (سرقت اشیاء و اموال عسکریه)

۱۰۸ — هرگاه یک تحویلدار و یا یک نفر نظامی که با اداره محافظه

پول و ذخیره مخصوص اداره عسکریه، و بحسابه

هر نوع اسباب و نقود نفری نظامی پامور بوده، از

میان آن یک مقدار را بدزدود [بعد از تاوان از

سه سال تا ده سال حبس]

هرگاه قیمت آن زیاده تر از پنجهزار رومپیه باشد،

و یا مال مسروقه عبارت از اسلحه و جباخانه باشد [اعدام]

۱۰۹ — اگر دزد ما موراد اداره و محاسبه اشیاء و نقود یک در قاعده

فوق ذکر شده باشد [بعد از تاوان از یک سال

تا سه سال حبس]

اموال اشیاء عسکریه تحویلی خود را بر سه منافع

شخصیه خود تجارت و استعمال نمودن [از سه سال تا چهار سال حبس]

۱۱۰۔ در خانگی از رعایا مهان گردیده، یکی از اسبابها

خانه صاحب خانه را خنیه گرفتن؛

در باره منصبداران [از سلب عسکری طرد، و از

یکسال تا سه سال حبس]

برای سلاح اندازان [از بیست چوب الی شصت

چوب ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۱۱۔ در هر جا و هر موقع که باشد هرگاه یک منصبدار یکی از

اسباب و یا نقود دیگر رفقا را خود، و یا از سلاح

اندازان را بدزد [بعد از تاوان از سلب عسکری

طرد میشود، و برای جزای دزدی بمکه عدلیه

سپرده میشود]

۱۱۲۔ همچنان سلاح اندازانیکه اشیاء و نقود منصبداران را

بدزد [بعد از ادا اقسام تاوان از سه ماه الی ششماه

حبس، و برای جزای دزدی بنظامنامه جزای

عمومی محکوم میشود]

اگر اشیا به دزدیده شده از نوع اشیا به

خسیر باشد [شدیداً تنبیخ و تکریر]

۱۱۳ — سلاح انداز از انیکه پول و دیگر اشیا به رقتا به

خود را بدزدند [بعد از تاوان، از پنجاه تا شصت

چوب ضرب]

۱۱۴ — غیر از صورتها یک در قاعده های فوق بیان شد

منوین نظامی که مرتکب جرائم سرقت عادی گردیده

باشند، بموجب نظامنامه جرائم عمومی مجازا

میشوند.

*

*

*

فصل نهم

(تاخت تاراج)

۱۱۵ — بصورت مسلح و یا غیر مسلح مجتمعاً و علناً دیوارها و دروازه

بارشکستاده و مردم را زیر جبر و تشدد گرفته، گدام
و ارزاق و امته و اشیای بیجا و تاراج نمودن [اعدام]

۱۱۶ — اگر در میانه بیجاگران یک و یا چند نفر مشوق و یا منصبدار

باشند [تنها مشوق و منصبدارها] [اعدام]

باقی [از یک سال تا ده سال حبس]

۱۱۷ — بناهای عسکریت و استحکامات، و غار بقیه‌ها

عسکریت را قصد آتش زدن، و یا به نقب

پرانیدن [اعدام]

۱۱۸ — اگر فعل تخریب بصورت آتش زدن نقب پرانیدن

بوقوع نیاید، و به استعمال بعضی آلات مخصوصه

دیگر واقع شود [اعدام]

۱۱۹ — اسباب مدافعه و مهمات حربیه و گدلم و جباخانه و غیره

هرگونه لوازمات عسکریه دولت را تخریب نمودن :

اول — در مقابل دشمن در اثنا جنگ [اعدام]

دوم — در وقت حضر [از یک سال تا سه سال حبس]

۱۲۰ — اسلحه و تجهیزات و لوازم عسکریه سرکاری که برای خدمت

عسکریه، برای خودش و سایر نفری نظامی داده شده

باشد، قصداً تخریب نمودن، و یا خود حیوانات سواری

و بار برداری که در خدمات عسکریه از آنها کار گرفته میشود

قصداً سقط و تلف کردن :

در باره منصبداران [بعد از تاوان از عسکر طرد]

و از ششماه تا یکسال حبس]

در باره سلاح اندازان [بعد از تاوان از سه تا ششماه حبس]

۱۲۱ — مسوده یا ویا کتابهاییکه بسمت نظامی متعلق باشند و یا ضبط

باینکه احکام دیوان حرب را دارا باشند، با مقلقات آن قصه

کردن، و یا سوختاندن یا محو نمودن [از یکسال تا پنجسال حبس]

فصل دهم

(ساخته کاری نمودن در اداره عسکریه)

۱۲۲. در دفترهای برآورده خواه از زیاده از موجود عدد عسکر و حیوان

و در دفترهای خرج زیاده از سرفیات و اقلام اخراجات را

نشان دادن [از سه سال تا ده سال حبس]

۱۲۳. مهر و سندات و ادوارق و دفاتر یک بخدمات عسکریه متعلق

باشند، تقلید کردن [از سه سال تا پنج سال حبس]

۱۲۴. مهر رسمی را که بدستش بیاید، بر سر اینکه موجب ضرر

دولت و یا عسکر معیت او کرده، به پنهانی استعمال کردن

[از پنج سال تا ده سال حبس]

اگر اندازه ضرر زیاده از پنجاه هزار روپیه باشد [اعلم]

* *

*